

## سر مقاله

**چشم‌انداز بانکداری در برنامه هفتم علی‌نظافتیان دبیر کمیسیون حقوقی کانون بانک‌ها**

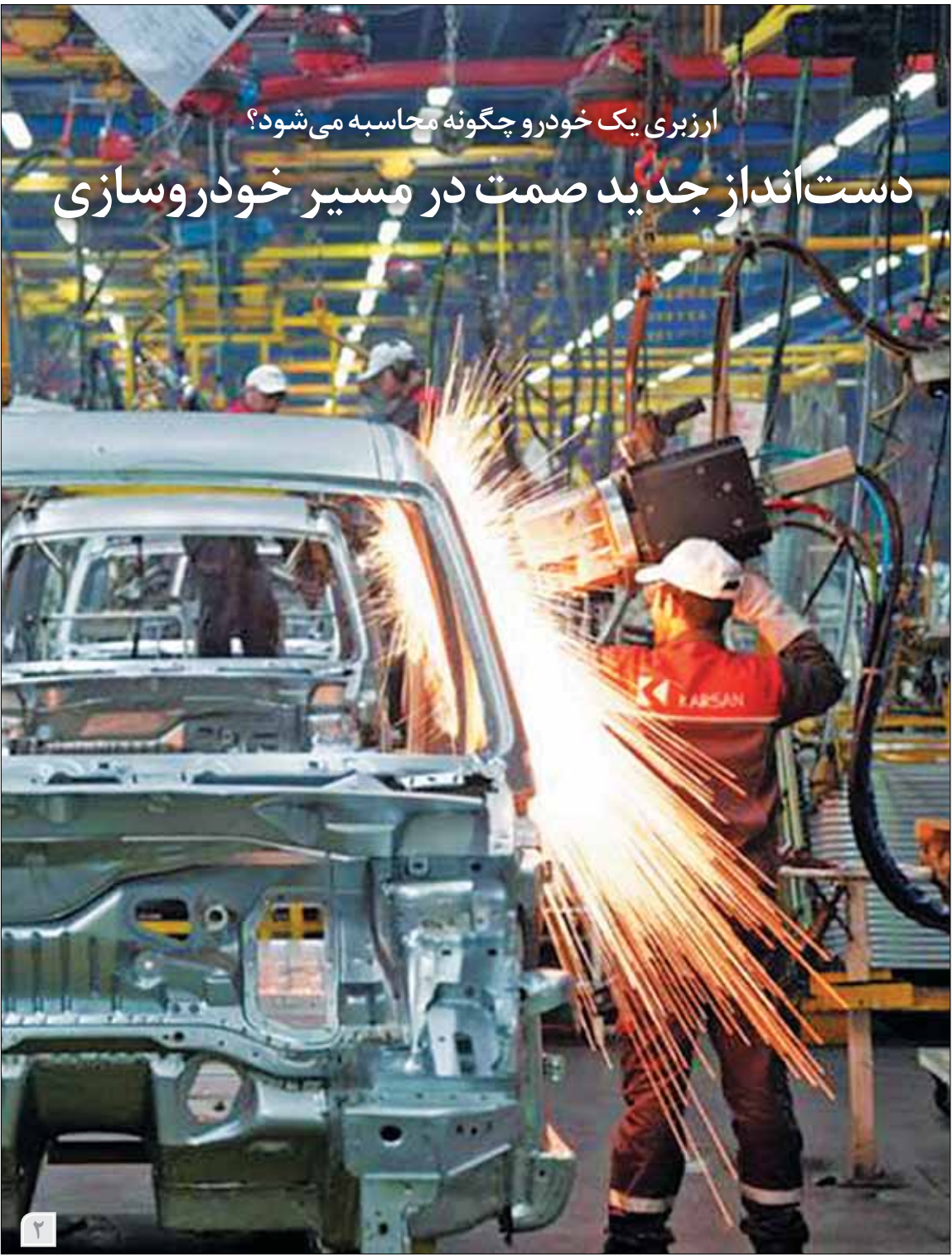
دولت سیزدهم، «لایحه برنامه توسعه هفتم» را در سال ۱۴۰۲ تقدیم مجلس کرده است، اما در اوایل تیرماه امسال قانون ۱۲۰ ماده‌ای به نام «لایحه برنامه هفتم پیشرفت جمهوری اسلامی» توسط «محمد مخبر»، سرپرست محترم نهاد ریاست‌جمهوری رسماً به دستگاه‌های اجرائی ذی‌ربط ابلاغ شد. آیا دولت، لایحه‌ای بدین نام را به مجلس ارائه کرده است؟ پاسخ به این پرسش قطعاً منفی است. اندکی بررسی رسانه‌ای نشان می‌دهد که دولت در اوایل سال گذشته، لایحه خود تحت عنوان «برنامه هفتم توسعه» را به مجلس تقدیم کرده است. اما در نهایت، خروجی مجلس از حیث تغییر نام و نام‌گذاری جدید قانون، تبدیل واژه «توسعه» به واژه «پیشرفت» بوده است. آیا «توسعه» مغایر با شرع یا اصول قانون اساسی است و بایستی به‌جای آن از واژه «پیشرفت» استفاده کرد؟ یا توجه به تصویب مجموعاً شش برنامه توسعه پنج ساله در همین مجلس، اقدام برای توسعه کشور، نه با شرع مغایر است و نه با اصول قانون اساسی در تضاد است. به نظر می‌رسد ظاهراً واژه «توسعه» یا مبانی فکری و اعتقادی تعدادی از نمایندگان محترم مجلس چندان همخوانی نداشته است؛ و گرنه با تبدیل کلمه «توسعه» به «پیشرفت»، هیچ تحول اساسی در کشور رخ نخواهد داد.

ادامه در همین صفحه

روزنامه **مدیریتی - اقتصادی**

# فرصت امروز

برای کسب وکار آفرینی



ارزبری یک خودرو چگونه محاسبه می‌شود؟

## دست‌انداز جدید صمت در مسیر خودروسازی

قانون مورد بحث به تصویب نهایی رسیده و رسماً ابلاغ شده است؛ بنابراین لازم‌الاجراست و برنامه کلان کاری دولت برای «توسعه» یا همان «پیشرفت» کشور در پنج سال آینده است. بدیهی است، که براساس اهداف پیش‌بینی‌شده و در صورت اجرای کامل و موافقت این برنامه نودیچش رسد ۸ درصدی اقتصاد ایران خواهد بود، اما باید توجه داشت که اجرای یک برنامه، با تنظیم و طراحی آن کلاً متفاوت است. در مرحله اجرای برنامه، صدها مشکل پیش‌بینی‌شده با موانع پیش‌بینی‌نشده در انتظار مجریان برنامه خواهد بود. کمبود منابع مالی، افزایش نرخ تورم و در برخی موارد، فسادهای اداری از جمله شایع‌ترین موانع اجرای مطلوب و به‌موقع برنامه‌های مصوب است. از یکی از نخست‌وزیران دوران شاه، نقل است که گفته است تحقق ۶۰ درصدی اهداف برنامه‌های عمرانی را موفق دانسته است. در این زمینه، یافته‌های یک گزارش پژوهشی درباره میزان موفقیت برنامه توسعه ششم جالب‌توجه است. گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی از ارزیابی «حکام مجموع دو قانون برنامه ششم توسعه و قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور» حاکی از آن است که مطابق با ارزیابی مرکز پژوهش‌ها، تقریباً ۳۸ درصد احکام قوانین برنامه توسعه ششم و احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، موفقیت‌حادقی داشته‌اند.

با این اوصاف، در پروسه قانون‌گذاری بایستی بین مرحله طراحی و تصویب نهایی و محل اجرای برنامه ظرف چند سال تفاوت گذاشت. در مرحله طراحی برنامه، دولت و مجلس بایستی افق دید خود را بسیار بسیار بالاتر از افق دید مردمان عادی کوچک و بسیار تنظیم کنند و برای برنامه‌ریزی به‌اصطلاح معروف، فقط تا نوک بینی خود را بینند و دقیقاً مشخص کنند که این برنامه را برای چند سال یا چند دهه آینده و یا چه میزان هزینه قابل‌پیش‌بینی تنظیم می‌کنند؛ مثلاً برنامه احداث یک خط ریلی، یا یک بزرگراه بین دو استان کشور برای مدت یکی دو ساله نیست بلکه برای حداقل چند دهه است. پس تنظیم چنین برنامه‌ای را نمی‌توان سرسری گرفت و بایستی حداقل برای سه دهه آینده برآورد کرد که نیازهای منطقه‌ای برای این خط ریلی یا بزرگراه چقدر است و چگونه می‌توان آن را با حداقل هزینه اجرا کرد. بنابراین وسعت نظر طرحان و تصویب‌کنندگان یک برنامه، شرط ضروری موفقیت در اجرای آن برنامه است. در صنعت بانکداری نیز همین قاعده حاکم است و باید قوانین بانکی به گونه‌ای طراحی

شوند که نظام بانکی کشور را با پیشرفت‌های سریع و مستمر صنعت بانکداری دنیا متوازن سازد. بدین جهت نمی‌توان انتظار داشت که از یکسو بانکداری جهانی به حدی از توسعه و پیشرفت رسیده است که در کسری از ثانیه، نقل‌وانقالات پیچیده مالی را در تمامی نقاط دنیا انجام می‌دهد و با کمترین تشریفات حقوقی و قانونی، تسهیلات و خدمات حقوقی را به مردم ارائه می‌کند، اما از سویی دیگر مقررات بانک مرکزی ما، مسئولان شعب را موظف می‌سازد که مبانی حقوقی و قانونی تسهیلات و تعهدات بانکی را به مشتریان بانک‌ها آموزش دهند و به‌اصطلاح بخشنامه‌ای، به مشتریان «تفهیم» کنند. بانک‌ها که مرکز آموزش بانکداری به مردم نیست، این کندی عملیات و دستوری بودن فرآیندهای بانکی است، با هر توجیهی به هیچ وجه با سرعت پیشرفت بانکداری جهانی همخوانی ندارد و حرکت تدریجی قطار بانکی کشور را به‌شدت کند و آهسته خواهد کرد.

اما فارغ از این مباحث و حواشی، فصل دوم «لایحه برنامه هفتم توسعه» (مواد ۷ تا ۱۲) به اصلاح نظام بانکی و مهار تورم پرداخته است. همین مواد البته با مختصر تغییراتی در «قانون برنامه هفتم پیشرفت» تصویب شده است. در برنامه هفتم توسعه، مباحثی همچون نحوه افزایش سرمایه بانک‌های ناتراز خصوصی و دولتی و اقدامات تنبیهی در صورت استتکاف بانک‌های ناتراز از افزایش سرمایه، تشکیل شرکت دولتی مدیریت دارایی‌ها (با شرکت فروش اموال مزاد بانک‌ها، یعنی شرکت فام اشتباه نشود)، مقررات ضمانت سپرده‌های بانکی، احکام مربوط به نظارت بر مؤسسات اعتباری و بازارهای غیرمستکمل پولی، تکلیف بانک مرکزی به رانندازی «سامانه املاک و مستغلات شبکه بانکی» و الزام بانک‌ها به درج اطلاعات مربوط به اموال و دارایی‌های خود در این سامانه موردآشاره قرار گرفته و تأکید شده است که در این زمینه «مسئولیت تشخیص املاک، مستغلات و سهام غیرمزاد مؤسسات اعتباری و تأیید مزاد نبودن آنها در سامانه‌های موضوع جزء (۱) این بند در چارچوب دستورالعمل مذکور در جزء (۱-۲) برعهده بانک مرکزی است.» در این برنامه همچنین بر تسهیل ایجاد نظام اعتبارسنجی و الگوی وثیقه‌گیری کالایی تأکید شده و آمده است که «دستورالعمل اجرائی تأسیس و فعالیت صندوق‌های قرض‌الحسنه را به منظور توسعه قانونمند این صندوق‌ها تهیه نموده و به تصویب هیأت عالی بانک مرکزی برساند. بانک مرکزی می‌تواند در امر نظارت بر صندوق‌های قرض‌الحسنه در چارچوب

مصوب هیأت عالی بانک مرکزی از ظرفیت بانک‌های قرض‌الحسنه یا سازمان اقتصاد اسلامی ایران یا کانون‌های صندوق‌های قرض‌الحسنه با مسئولیت خود استفاده کند.» همچنین در مورد مقررات مربوط به عملیات بانکی تأکید شده است که «عطای اعتبار جدید توسط بانک مرکزی به مؤسسات اعتباری بدون دریافت وثیقه، ممنوع است. نوع و میزان وثایق قابل‌پذیرش توسط هیأت عالی بانک مرکزی تعیین می‌شود.» و اینکه «از زمان لازم‌الاجرا شدن این قانون، هرگونه استفاده دولت و شرکت‌های دولتی از منابع شبکه بانکی باید در قالب تحویل اوراق مالی اسلامی قابل‌معامله در بازار سرمایه به مؤسسات اعتباری صورت گیرد.»

انتظام‌بخشی به عملیات بانکی، بخشی دیگر از برنامه‌های دولت است، با تأکید بر آنکه در صورت انعقاد قرارداد اعطای تسهیلات است، با ایجاد تعهد بدون اخذ شناسه یکنای صادرشده از «سمات» عدم تطابق اطلاعات «سمات» با مفاد قرارداد منعقد شده، سود تسهیلات و کارمزد ضمانت‌نامه و اعتبارات اسنادی برای شخص حقوقی ذی‌نفع به‌عنوان هزینه قابل‌قبول مالیاتی پذیرفته نمی‌شود و همچنین اینکه بانک مرکزی مکلف است تا پایان سال اول برنامه، دستورالعمل پرداخت تسهیلات اعتبار در حساب‌جاری برای سرپرستان خانوار دارای درآمد منظم، مستعری یا یارانه را به تصویب هیأت عالی بانک مرکزی برساند. در برنامه هفتم توسعه همچنین به مقررات ارزی پرداخته شده و مقرر شده است که «در طول اجرای برنامه توسعه هفتم، مسئولیت ثبت‌بخشی به نرخ ارز و بیشتر بر سر «بایدها و نبایدها» به نقدبینگی و اعتبارات بانک‌ها به سمت فعالیت‌های مولد در چهارچوب وظایف و اختیارات قانونی برعهده بانک مرکزی است.» انتظام‌بخشی به عملکرد بانک‌ها نیز از دیگر مشخصات مقررات بانکی برنامه هفتم است. ارجاع فعل یا ترک فعل مدیران بانک‌ها به هیأت انتظامی بانک مرکزی یا مراجع قضایی هم از دیگر ویژگی‌های برنامه هفتم و قانون جدید بانک مرکزی است.

مجموع، به‌عنوان یک کارشناس که حداقل با الفبای حقوق آشناست، متوجه نمی‌شوم که مبانی حقوقی این بند از مقررات «برنامه هفتم پیشرفت» چیست. «مهلت ثبت اطلاعات مربوط به املاک، مستغلات و سهام مؤسسات اعتباری در سامانه‌های موضوع این جزء، شش ماه پس از ابلاغ دستورالعمل بانک مرکزی در این زمینه است. پس از انقضای مهلت فوق چنانچه دارایی‌های متعلق به مؤسسات اعتباری کشف شود که در سامانه‌های موضوع این جزء

رقابت ۱۰ هزار ورزشکار از ۲۰۶ کشور جهان در شهر پاریس
**مسابقات المپیک ۲۰۲۴ آغاز شد**

گرفت و چین با ۳۸ طلا، ۳۲ نقره و ۱۹ برنز در مکان دوم ایستاد. براساس پیش‌بینی سایپت Gracnote-Nielsen، آمریکا در این دوره می‌تواند ۱۲۳ مدال کسب کند و باز هم صدرنشین جدول مدال‌ها باشد. چین با ۸۷ مدال، بریتانیا با ۶۲ مدال و فرانسه با ۵۶ مدال در این پیش‌بینی در رده‌های دوم، سوم و چهارم هستند. عروسک رسمی المپیک، کلاه فریزی فرانسه است و در این دوره برخلاف همیشه از یک عروسک به عنوان نماد مسابقات استفاده نشده است. فریزی کلاه یا سرپوشی است که مردم در جریان انقلاب کبیر فرانسه در سال ۱۷۸۹ بر سر می‌گذاشتند. فریزی مخصوص پارالمپیک هم یک پای مصنوعی دارد و اولین نماد عروسکی است که معلولیت آشکار دارد. شعار این عروسک‌ها این است: «به تنهایی، سریع‌تر پیش می‌رویم، اما با هم، مسافت طولانی‌تری را طی خواهیم کرد.» لوگوی بازی‌ها ترکیبی از سه نماد به یاد المپیک، فلسفه المپیک و کشور فرانسه است. رنگ زرد نشان‌دهنده مدال طلا، حالت شعله نماد مشعل المپیک و حالت آن هم نمادی از الهه ماریان است که نماد فرانسه

دماسنج اصلی تالار شیشه‌ای در معاملات هفته گذشته یک کانال پایین آمد

### ریزش یک درصدی بورس تهران

فرصت امروز: شاخص کل بورس تهران در مجموع معاملات هفته گذشته بیش از ۲۷ هزار واحد افت کرد و به محدوده ۲ میلیون و ۱۰۰ هزار واحدی سقوط کرد. در این هفته همچنین حجم خروج سرمایه حقیقی افزایش یافت و در مجموع کل هفته ۶۰۰ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار سهام خارج شد. شاخص کل بورس در آخرین روز کاری هفته گذشته به سطح ۲ میلیون و...

۴

بیش از ۲۸۱ میلیارد دلار در ۲۰ سال گذشته ارزپاشی شده است

# دومینوی اشتباهات سیاستگذاری ارزی

فرصت امروز: تعدد نرخ‌های رسمی و فاصله معنادار با بازار غیررسمی، اتکای سیاستگذار به آمار عرضه و تقاضا در سامانه نیما، عدم پذیرش واقعیت افزایش نرخ ارز متناسب با واقعیت‌های اقتصادی و اصرار بر سیاست شکست‌خورده تثبیت نرخ رسمی ارز، خروج مقادیر هنگفتی ارز (به صورت اسکناس و حواله) از فرآیندهای رسمی و…، همگی نشان می‌دهد که تصمیمات اشتباه و شکست خورده گذشته در حال تکرار است. یکی از چالش‌های اصلی سیاستگذاری ارزی کشور، استمرار مداخلات دولت در بلندمدت است که عموماً در قالب نرخ‌گذاری‌های متعدد صورت می‌پذیرد. حتی در آزادترین اقتصادهای جهان نیز همواره درجه‌ای از نظارت توسط دولت‌ها اعمال می‌شود. بنابراین در اقتصادی همچون ایران که با شوک‌های متعدد از جمله تحریم‌های خارجی مواجه است، مداخله و کنترل دولت تا حدودی پذیرفته است، اما استمرار این مداخلات و تبدیل آن به یک سیاست دائمی موجب می‌شود این سیاست تبدیل به مانع بزرگ‌تری برای اقتصاد کشور شود که به دنبال خود نااطمینانی‌ها و نوسانات اقتصادی بسیاری به همراه خواهد داشت. براساس آمارهای رسمی در ۲۰ سال اخیر، حدود ۲۸۱ میلیارد دلار برای کاهش نرخ بازار آزاد، در بازار ارز مداخله شده است که عملاً صرف اعطای رانت به افراد و گروه‌های خاصی شده و در واقع می‌توان گفت که هزینه‌کرد این رقم، هزینه اجرای یک سیاست ارزی اشتباه بوده است. این آمارای است که معاونت بررسی‌های اقتصادی اتاق تهران منتشر...

۲

بازوی پژوهشی بخش خصوصی در یک گزارش پژوهشی بررسی کرد

### نقشه جهش تولید با مشارکت مردم

۳

## مدیریت و کسب‌وکار

### برندهای ورزشی چطور بازاریابی می‌کنند؟

یکی از تفریح‌ها و سرگرمی‌های اصلی مردم در سراسر دنیا ورزش است. فرقی ندارد شما در چه سن و سالی باشید، در هر صورت بازی‌هایی مثل فوتبال یا بدمیتون می‌تواند ساعت‌ها شما را سرگرم کرده و در نهایت گذر زمان را هم حس نکنید. نکته‌ای که در این میان مهم است، تبدیل همین سرگرمی‌های ورزش بین صنعتی پرسود در دنیاست. به طوری که این روزها برندهایی مثل نایک یا حتی تیم‌های ورزشی کزو پوباس‌ترین کسب و کارهای دنیا محسوب می‌شوند. شاید فکر کنید برندهای ورزشی فقط به خاطر جذابیت رشته‌ها مورد توجه قرار می‌گیرند. خب در این صورت باید کمی دیدگاه‌تان را تغییر دهیم، نه تنها رشته‌هایی مثل بسکتبال در طول دهه‌های متعددی تغییر کرده‌اند، بلکه پای بازاریابی نیز در میان است. خب پیش خودتان که فکر نکرده‌اید برندهای بزرگ دنیا همین طور دست‌روی دست گذاشته‌اند تا شما به طور طبیعی از رشته‌های ورزشی خوش‌تان...

این کار، از نظر مالی توان تأمین سرمایه لازم و انجام کار را داشته باشد، عدم داشتن هرگونه سوپرویزینه‌اعم از مالی و اخلاقی)، اجازه تأسیس بانک توسط بخش غیردولتی داده می‌شود.» اما تاکنون هیچ کدام از دولت‌ها، اقدامات لازم برای ایجاد فضای رقابتی بین بانک‌های دولتی و خصوصی برای ارائه خدمات بهتر بانکی به مردم را فراهم نیاورده است. البته باید توجه داشت که با تبدیل هیأت انتظامی بانک مرکزی به شبه دادگستری و با تخلف‌انگاری فعل یا ترک فعل مدیران بانکی، نمی‌توان مشکلات و ناسامانی‌های ناشی از توسعه‌یافتگی شبکه بانکی کشور را حل نمود و عملیات بانکی را عساری از رسا کرد. توقع مردم از قانونگذار، این است که در هر بخش، نقشه راه پیشرفت و توسعه‌یافتگی کشور را با دوراندیشی توسعه و همچنین قانون جدید بانک مرکزی، مشخص نیست که هدف قانونگذار از این همه قانون و بایدها و نبایدهای فراوان در امور بانکی، رساندن نظام بانکی کشور به کدام مرحله از پیشرفت و توسعه‌یافتگی است، مثلاً در مورد تأسیس شرکت مدیریت دارایی‌های شبکه بانکی از سویی بانک مرکزی، آیا این شرکت دولتی است یا غیردولتی؟ در صورت دولتی بودن این شرکت، آیا فروش اموال و املاک بانک‌ها، خارج از تشریفات معاملات دولتی امکان‌پذیر است، یا در این مورد بایستی تشریفات معاملات دولتی برقرار کرد؟ آیا طرحان این قانون از وجود شرکت مشابه در شبکه بانکی کشور، یعنی شرکت فروش اموال مزاد بانک‌ها (فام) اطلاع نداشته‌اند؟ یا دیگر چه روزهی به تأسیس یک شرکت عریض و طویل دولتی مشابه است؟

ثبت نشده باشد، به موجب این قانون به شرکت مدیریت دارایی‌های شبکه بانکی موضوع بند «پ» این ماده منتقل می‌شود و هرگونه نقل‌وانتقال یا توتیق آنها توسط مؤسسات اعتباری فاقد اعتبار و بلاثر است.» سوال این است که چگونه و براساس کدام مبنا و منطق حقوقی می‌توان به‌صرف عدم ثبت اطلاعات یک ملک در «سامانه املاک و مستغلات شبکه بانکی»، مالکیت آن را از یک بانک سلب کرد؟ مگر اموال بانک‌ها در نهایت اموال سهامداران آن نیست؟ آیا به همین راحتی سلب مالکیت صورت می‌گیرد؟ در حال حاضر، نظام بانکی ایران نیازمند توسعه و پیشرفت است تا در عرصه بانکداری بین‌المللی، حرفی برای گفتن داشته باشد و بتواند در بازار رقابت خدمات بانکی وارد شود، اما آیا با این همه مقررات مختلف بانکی و در صورت اجرای کامل و بی‌نقص و عیب آن، به این مهم خواهیم رسید» به راستی، نظام بانکی کشور در پایان برنامه هفتم توسعه در کجا خواهد ایستاد و آیا در پایان این برنامه از بانک‌های معتبری در کلاس لویدز بانک و سیتی بانک برخوردار خواهد بود؟ در پاسخ به این پرسش، اگر احکام مصوب مجلس در ارتباط با اصلاح نظام بانکی را در قانون برنامه هفتم پیشرفت، با قانون جدید بانک مرکزی به‌دقت مورد بررسی قرار دهیم، متوجه خواهیم شد که در این مجموعه قوانین بانکی، هیچ نشانه‌ای از برنامه توسعه بانکداری داخلی یا بین‌المللی و ایجاد گشایش برای تعاملات بین‌المللی بانک مرکزی و شبکه بانک‌های خصوصی دولتی متصور نیست و به نظر می‌رسد که در قوانین مورد اشاره، صحبت بیشتر بر سر «بایدها و نبایدها» در عرصه نظام بانکی است. تنها مطلبی که می‌توان از این مقررات بانکی استنباط کرد، این است که در صورت اجرای موفق در پایان برنامه هفتم، ان‌شالله شاهد کاهش رشد نقدینگی تا سطح ۱۲۵ درصد و کاهش نرخ تورم به ۱۵ درصد همچنین کاهش اضافه برداشت بانک‌ها از بانک مرکزی به میزان ۲۰ درصد در هر سال خواهیم بود. اما در بازار داخلی، ایجاد فضای رقابتی بین بانک‌ها برای ارائه خدمات هرچه بهتر بانکی به مردم بسیار ضروری است. لازم به توضیح است که براساس «قانون اجازه تأسیس بانک‌های غیردولتی»، مصوب سال ۱۳۷۹، «به‌منظور افزایش شرایط رقابتی در بازارهای مالی و تشویق پس‌انداز و سرمایه‌گذاری و ایجاد زمینه رشد و توسعه اقتصادی کشور و جلوگیری از ضرر و زیان جامعه باتوجه‌به ذیل اصل چهل و چهارم (۴۴) قانون اساسی و در چارچوب صواب، قلمرو و شرایط تعیین شده در زیر (داشتن تجربه و دانش لازم در

مراسم افتتاحیه هستند. کاروان ایران در این دوره شامل ۲۹ ورزشکار مرد و ۱۱ ورزشکار زن است و نسبت به دوره گذشته با کاهش نفرات مواجه شده است. ایران در المپیک توکیو با ۶۵ ورزشکار شامل ۵۵ مرد و ۱۰ زن حضور یافت و در این دوره ۲۵ سهمیه کمتر دارد. ۴۰ ورزشکار ایران در المپیک پاریس در ۱۴ ورزش مختلف رقابت می‌کنند. ایران در دوره قبلی المپیک در ۱۷ رشته مختلف حاضر شده بود. ایران در المپیک ۲۰۲۰ توکیو توانست ۲ طلا، ۲ نقره و ۲ برنز کسب کند که از جمع مدال آوران دوره قبلی، «علی داوودی»، «حسن بایزادی»، «محمدعابدی ساروی» و «میرحسین زارع» در این دوره هم حضور دارند و جالب اینکه هر سه طلائی ایران، یعنی «جواد فروغی»، «سجاد گنج‌زاده» و «محمدرضا گرابی» در این دوره غایب هستند. رشته‌های والیبال، بسکتبال، بوکس، بدمینتون و کانو در المپیک توکیو موفق به کسب سهمیه شده بودند ولی در این دوره ناکام هستند و کاراته هم از مسابقات حذف شده است. از طرفی ژیمناستیک و قایقرانی برخلاف دوره قبلی این بار سهمیه دارند.



## نگاه

تغییردهنده جریان بازی به روایت «اگونومیست»

**استریمینگ چطور ورزش را متحول می کند؟**

هفته‌نامه «اگونومیست» در سرمقاله این هفته خود به بهانه برگزاری المپیک ۲۰۲۴ پاریس، به مسئله جهانی شدن در ورزش پرداخته است و می‌گوید دو تغییر بزرگ در سمت عرضه و تقاضا به روند جهانی شدن ورزش به‌عنوان یک سرگرمی کمک می‌کنند. «اگونومیست» در سرمقاله شماره ۲۵ جولای ۲۰۲۴ می‌نویسد:
گرچه هیجان هواداران ورزش نسبت به المپیک کم شده است، اما تکنولوژی در حال ایجاد تغییرات بزرگ در نحوه تماشای ورزش است. از تیم مغولستان با کفتان‌های گلدوزی شده گرفته تا کانادایی‌هایی که کاپش خلبانی به تن داشتند، راهپیمایی تیم‌ها در المپیک به عنوان نمادی برای جمع شدن مردم از کشورهای مختلف طراحی شده است. پیام المپیک به مخاطبان روشن است: در جهان از هم گسیخته تنها ورزش می‌تواند مردم را دور هم جمع کند. این ایده‌های الهام‌بخش است، ولی تا حد زیادی هم نادرست است.
گرچه بازی‌های المپیک و جام جهانی فوتبال مردان، هر دو مخاطبانی از سراسر کره زمین دارند، ولی باارزش‌ترین تیم‌های ورزشی جهان سرسختانه در برابر جهانی‌سازی مقاومت می‌کنند. لیگ ملی فوتبال آمریکا، ۹۸ درصد از درآمد حقوق رسانه‌ای خود را در داخل به دست می‌آورد. لیگ برتر آرکمنت هند که حقوق رسانه‌ای آن به طور سالانه بیشتر از المپیک است، ۹۶ درصد درآمد خود را در داخل کشور میزبان خود به دست می‌آورد. با این وجود، سرانجام جهانی‌سازی برای تغییرات مهم آماده می‌شود. تکنولوژی، نحوه پخش ورزش و لذت تماشاگران از آن را متحول کرده و به انواع لیگ‌های ورزشی، فرصتی برای جهانی شدن می‌دهد. این مسئله نشان‌دهنده یک فرصت بزرگ برای کسب‌وکارها و فرصتی بزرگ‌تر برای تماشاگران است، چراکه بازی‌هایی که قبلاً تنها طرفداران یک کشور را به وجد می‌آورد، حالا مردم سایر کشورهای جهان را نیز هیجان‌زده می‌کند و این فرصتی است که شرکت‌های رسانه‌ای باید از آن استفاده کنند. شکست ورزش به عنوان یک صادرات در مقایسه با سایر صنایع سرگرمی محجور به خوبی نشان داده می‌شود. از اواخر قرن گذشته، هالیوود بیش از نیمی از درآمد باکس آفیس خود را از خارج از کشور به دست آورده است. هنرمندان موسیقی آمریکا حدود یک‌سوم استریم‌های خود و بخش بزرگی از فروش بلیت کنسرت‌های خود را به شونندگان خارجی وابسته هستند. در بازی‌های ویدئویی نیز کنسول‌های ژاپنی و اپلیکیشن‌های چینی، بازیکنانی در سراسر جهان دارند.

از منظر «اگونومیست»، دو تغییر بزرگ به جهانی شدن ورزش کمک می‌کنند. اولین مورد، انقلابی در سمت عرضه است؛ چراکه پخش ورزشی از پخش ملی و کانال‌های کابلی تلویزیون به پلتفرم‌های استریم جهانی تبدیل شده است. نتفلیکس از مخاطبانی در سراسر کره زمین دارد. مستند «راندنگی کن تا زنده بمانی»، آمریکایی‌ها را با فرمول یک آشنا کرد. اپل نیز در سال گذشته بخش مسابقات لیگ برتر فوتبال را برای ۱۰۰ کشور جهان شروع کرد. انقلاب دوم اما در سمت تقاضا اتفاق افتاده است. بزرگ‌ترین مانع برای پذیرش ورزش‌های خارجی، این است که برخلاف دیگر انواع سرگرمی، تماشاگران می‌خواهند به جای بهترین تیم‌ها، تیم خودشان را ببینند. ولی وابستگی طرفداران به تیم‌ها به آرامی جای خود را به ارادت به بازیکنان خاص داده است. رسانه‌های اجتماعی به بازیکنان اجازه می‌دهند دنبال‌کنندگان جهانی داشته باشند که هیچ ارتباطی با تیم آنها یا حتی ورزش‌شان ندارند. ستارگان ورزشی، هواداران سراسر جهان را به لیگ برتر فوتبال انگلستان جذب کرده‌اند. «بیونل مسی» با ۵۰۰ میلیون دنبال‌کننده در اینستاگرام خود، تماشاگران جدیدی را به لیگ برتر فوتبال آمریکا جذب کرد.

اما چه کسی می‌تواند در این بازی جدید پیروز شود؟ در میان شرکت‌های رسانه‌ای، بهترین جایگاه متعلق به آنهایی است که وسیع‌ترین توزیع را دارند. لیگ‌ها بیش از هر چیزی به دنبال ایجاد دسترسی هستند و مایلند معاملات کم سودتری را با سرویس‌های استریم‌ری داشته باشند که می‌تواند بازی‌های آنها را در برابر تماشاگران در همه جای جهان قرار دهد. در این میان، نتفلیکس، آمازون و دیگر پلتفرم‌های جهانی نسبت به دیگر شرکت‌های فعلی، برتری دارند. در میان سازمان‌های ورزشی، لیگ‌های بزرگ‌تر بیشترین سود را از توزیع و سمیت خود‌ها برد، در سمت همانطور که استریم موسیقی شونندگان را به سمت ستاره‌هایی چون «تیلور سوئیفت» هدایت می‌کند. ولی استریم به تقویت محتوای خاص نیز کمک کرده است. ورزش زنان که مدت‌ها نادیده گرفته می‌شد، حدود نیمی از خروجی استریم شبکه ESPN را تشکیل می‌دهد. با جهانی شدن، ورزش‌ها با شکایتی روبه‌رو می‌شود که قبلاً متوجه سایر صنایع سرگرمی بود؛ اینکه محتوای خارجی می‌آرز، علاقه‌مندان ارزشمند محلی را جلب می‌کند. سیاستمداران یک قرن پیش نگران بودند که برنامه‌های رادیویی، شونندگان را وسوسه کند تا به جای گروه‌های محلی، به گروه‌های موسیقی شهرهای بزرگ توجه کنند. اخیراً سیاستمداران اروپایی شکایت کرده‌اند که برنامه‌های آمریکایی، بینندگان را از برنامه‌های محلی دور می‌کند.

از نگاه نشریه «اگونومیست»، باید منتظر بیش از اینها هم باشیم؛ زیرا هواداران به جای ستارگان محلی به دنبال افراد مشهور دورافتاده هستند. ولی این حق آنهاست که انتخاب کنند چه ورزشی را می‌خواهند دنبال کنند، همانطور که انتخاب می‌کنند چه موسیقی گوش کنند یا چه فیلمی ببینند. در ورزش، مهمترین چیز رقابت است. سازمان‌های ورزشی که نگران از دست دادن هواداران‌شان در این بازی جدید جهانی هستند باید به شعار المپیک توجه کنند: زمان سریع‌تر و قوی‌تر شدن است. گفتنی است عصر روز گذشته مراسم افتتاحیه المپیک ۲۰۲۴ در شهر پاریس برگزار شد و این رویداد ورزشی در حالی تا دو هفته دیگر ادامه دارد که ارزش مالی مدال‌های طلا، نقره و برنز المپیک به ترتیب ۸۵۰ دلار، ۴۵۰ دلار و ۵ دلار برآورد شده است. به گزارش هفته‌نامه «تیم»، هنگامی که بازی‌های المپیک در سال ۱۸۹۶ در آن اчина شد، به برندگان مقام اول یک مدال نقره به همراه یک شاخه زیتون و دیپلم اهدا شد و برای مقام دوم نیز مدال برنز یا مس در نظر گرفته شد. به گفته کمیته بین‌المللی المپیک (IOC)، اولین بار مدال‌های طلا، نقره و برنز برای مقام‌های اول تا سوم در سال ۱۹۰۴ اهدا شد، زمانی که بازی‌ها در سنت لوئیس برگزار شد. البته مدال‌های طلای المپیک کاملاً از طلای خالص نیست. در آخرین بازی‌های المپیک تابستانی که در سال ۲۰۲۱ در شهر توکیو برگزار شد، مدال طلا عمدتاً از نقره خالص و با بیش از شش گرم روکش طلا ساخته بود. مدال نقره نیز شامل نقره خالص بود و مدال برنز هم حدود ۹۵ درصد مس و ۵ درصد روی بود. مدال‌های بازی‌های توکیو از فلز استخراج‌شده از وسایل الکترونیکی مصرفی بازیافتی ساخته شده بودند و در بازی‌های المپیک تابستانی ریودونائیرو ۲۰۱۶ نیز مدال‌های نقره و برنز ساخته شده برای بازی‌ها از حدود ۳۰ درصد مواد بازیافتی تشکیل شده بود. آنتور که در وب‌سایت رسمی بازی‌های المپیک پاریس آمده است، برای بازی‌های اسمال هر مدال دارای یک قطعه آهن اصلی از برج ایفل است. از آنجایی که این برج در طول سال‌ها تحت بازسازی‌های زیادی قرار گرفته است، برخی از قطعات حذف و حفظ شده‌اند. شرکت بهره‌برداري برج ایفل، اجازه استفاده از این قطعات اصلی را برای مدال‌های المپیک و پارالمپیک اسمال داده است. وب‌سایت بازی‌های المپیک ۲۰۲۴ همچنین هزینه هر مدال را مشخص کرده است. اما براساس ارزش طلا و نقره و طبق گزارش NBC Sports، یک مدال طلا احتمالاً حدود ۷۵۰ تا ۸۵۰ دلار قیمت دارد. هم‌زمان «سی‌ان‌ان» گزارش داده که یک مدال نقره احتمالاً حدود ۴۵۰ دلار ارزش دارد؛ در حالی که یک مدال برنز ممکن است حدود ۵ دلار ارزش داشته باشد. با این حال این مدال‌ها، نمادی از موفقیت هستند و زمانی که به فروش می‌رسند، قیمت‌های بسیار بالاتری پیدا می‌کنند. به‌خصوص که ورزشکاران مدال‌های خود را به دلیل مشکلات مالی یا جمع‌آوری پول برای خیریه‌ها می‌فروشند.

بیش از ۲۸۱ میلیارد دلار در ۲۰ سال گذشته ارزیابی شده است

# دومینوی اشتباهات سیاستگذاری ارزی



ارز دوگانه قرار دارد که در دو دهه اخیر، تجربیات مختلفی از نظام چند نرخي و دو نرخي و تک‌نرخي را داشته است. اقتصاد ایران در دهه‌های گذشته، آستن تحولات و نوسانات گسترده‌ای بوده که عموماً به دلیل نبود چارچوب سیاستگذاری مستحکم و برنامه‌ریزی شده برای مقابله با بحران‌ها همواره در معرض ناطلمیانی و عدم قطعیت قرار گرفته است. خروجی چنین وضعیتی، تصمیمات و سیاستگذاری‌های خلق‌السعای است که در قالب نرخ‌گذاری و محدودیت‌های مختلف بوده است. اتفاقی که در نهایت موجب آسیب فراوانی به کسب وکارها و فعالیت‌ها در بخش‌های مختلف شده است. براساس بندت ماده ۲۰ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه کشور، بانک مرکزی باید با توجه به تورم داخلی و خارجی به مدیریت نرخ ارز بپردازد که به معنای تثبیت نرخ حقیقی ارز است. اینکه نرخ ارز متناسب با متغیرهای کلان اقتصاد در بلندمدت روند افزایشی داشته باشد، امر طبیعی است و از بانک مرکزی انتظار می‌رود با تعیین یک کریدور مطابق با متغیرها و واقعیت‌های جاری اقتصاد، نوسانات حول این روند را به حداقل برساند. آنچه در سال‌های اخیر اتفاق افتاده، مصرف میزان زیادی از منابع ارز برای مداخله در بازار بوده است که طی این فرآیند با اینکه این منابع در قالب ذخایر ارز در خدمت توسعه سرمایه‌گذاری و زیرساخت قرار گیرد، موجب افزایش واردات شده است. تداوم سیاست تثبیت ارزی که طی سال‌های متمادی توسط بانک مرکزی دنبال شده، امکان جهش ارزی در آینده را بالا می‌برد.

**۶ اشتباه مهم سیاستگذاری ارزی**

«سیاست‌های دفعتی محرک نوسانات»، «دامن زدن به بی‌ثباتی در فضای سرمایه‌گذاری»، «تصمیمات خلق‌السعاه و صدور بخشنامه‌ها و ابلاغیه‌های متعدد»، «ارزیابی و ورود درآمدهای نفتی به اقتصاد»، «ایجاد نرخ‌های ترجیحی در زمان کاهش منابع جهت کنترل بازار» و «نوسانات ناگهانی به دلیل شوک‌های ارزی عمدتاً ناشی از فشرده شدن فنر ارزی» از مهمترین اشتباهات سیاستگذاری ارزی در سال‌های گذشته بوده است. جهش‌های ناگهانی در نرخ ارز به دلیل نبود برنامه‌ریزی و سیاستگذاری درست در زمان بروز شوک‌های رخ می‌دهد و موجب بی‌ثباتی در فضای اقتصاد کلان می‌شود. مداخله و نرخ‌گذاری از مهمترین عوامل مخرب فضای برنامه‌ریزی برای تولید و سرمایه‌گذاری است؛ در حالی که ثبات‌بخشی به بازار ارز به پیش‌بینی‌پذیر شدن بازار و رشد سرمایه‌گذاری شوک‌ها و نوسانات پدروانه ثبات داشته باشد، و اینکه ثبات به منزله نقطه مقابل هرگونه تغییر در نظر گرفته شود. جلوگیری از جهش‌های ارزی در آینده مهتر از تثبیت نرخ ارز در کوتاه‌مدت است و بدیهی است تداوم سیاست ارزی تثبیت نرخ ارز که طی سال‌های متمادی از سوی بانک مرکزی دنبال شده است، امکان جهش ارزی در آینده را بالا می‌رود.

«تصمیمات خلق‌السعاه و بخشنامه‌های متعدد» از دیگر چالش‌های

ارزی‌ری یک خودرو چگونه محاسبه می‌شود؟

## دست‌انداز جدید صمت در مسیر خودروسازی

و دومی، افزودن محصول ارزان‌تر برای تعدیل میانگین سبید محصولات، در راه اول، یعنی افزایش داخلی‌سازی محصولات، خودروسازان بدون زیرساخت اختصاصی قطعه‌سازی، ورود به بخش‌های پر هزینه مانند قطعه‌سازی و قالب‌گیری در بهترین حالت می‌توانند تا سقف حدود ۳۰ درصد داخلی‌سازی داشته باشند و افزایش این میزان نیازمند سرمایه‌گذاری سنگینی است که در تیراژ تولیدی کم، اقدام توجیه‌پذیری از نظر اقتصادی نیست. اما راه حل دوم، یعنی افزودن خودروهای اقتصادی به سبد محصولات، دو مشکل فزاینده برای تولید است؛ اول، که نخست، مدت زمان حداقل یک ساله برای انتخاب و افزودن محصول جدید به سبد یک خودروساز است و دوم، کمبود شدید گزینه‌های پیش روی خودروسازان ایرانی برای تنوع بخشیدن به سبد محصولات. با این حساب عملاً تعیین میانگین ۹۵۰۰ دلاری برای سبد محصولات، این پیام را به خودروسازان القا می‌کند که ملزم به توقف تولید هستید؛ چراکه هیچ یک از رهاکارهای گذر از این مشکل عملاً امکان‌پذیر نخواهد بود.

بررسی سبد محصولات ۱۳ خودروساز فعال در سال ۱۴۰۲، محصولات‌شان به صورت مونتاژ-قطعات منفصله(CKD) بوده نشان می‌دهد میانگین ارزشی همه شوکت‌ها روی میانگین سبد محصولات مونتاژی KD (قطعات منفصله) بیش از ۱۴ هزار دلار است، اما اگر آن خودروساز یک محصول بومی یا تولیدی قدیمی، خودروها یا هزینه تولید پایین و درصد داخلی‌سازی بالا(که عملاً به عنوان خودرویی ساخت داخل شناخته می‌شود) و دو مونتاژی، خودروهای بومی و… داشته باشد، می‌تواند این عدد را تسهیل کند اما در مقابل، خودروسازانی که صرفاً مونتاژکننده یا قطعات منفصله هستند در مسیر بدون راه حل و بن بستی قرار می‌گیرند که تنها پیام این رویکرد وزارت صمت برای آنها، الزام به توقف تولید خودرو به دلیل عدم تخصیص ارز است.

چنین برنامه‌ای از سبوی وزارت صمت براساس آمار تولید سال ۱۴۰۲، تیراژ تولید حدود ۱۷۰ دستگاه از خودروهای سواری معادل ۱۵ درصد از کل سهم بازار را با خطر توقف تولید روبه‌رو می‌کند و جایگزینی حدود ۲۰ خودرو که در این طرح با خطر توقف تولید روبه‌رو هستند عملاً با خودروهای اقتصادی ۹ هزار دلاری امکان‌پذیر نیست و اصولاً بازار این خودروها با خودروهای اقتصادی قابل جایگزینی نیست و علاوه بر لطمه‌ای که به تیراژ تولید خودرو در کشور وارد می‌کند می‌تواند منجر به از بین رفتن چندین هزار اشتغال بخش خصوصی حوزه خودرو شود.

نگاه منطقی در این زمینه می‌تواند بررسی جامع بازار خودرو باشد،

سیاستگذاری ارزی کشور است. سیاست‌های موضعی دولت هنگام بروز شوک ارزی، سیل گسترده‌ای از بخشنامه‌ها و مصوبات و ابلاغیه‌ها را به همراه دارد که اثرات مخرب این سیاست‌های ارزی در قالب تعیین نرخ‌های مختلف ارز و سازوکارهای متعدد و گاهی متناقض در زمینه بازگشت ارز حاصل از صادرات بروز پیدا می‌کند. همچنین طی دهه‌های گذشته مداخله در بازار از طریق ارزیابی در دوره وفور درآمدهای نفتی، یکی از اقدامات دولت برای کنترل بازار ارز بوده است. این اقدام در سال‌های ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ به کاهش ذخایر ارزی انجامید و پس از آن به دلیل تقاضای بالا، دولت ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومان را خلق کرد و موج جدیدی از تقاضا برای واردات نیز به دنبال آن به راه افتاد. تجربه‌ای که در ادوار مختلف تکرار شده است. ارز ترجیحی، حاصل تصمیم‌هایی است که سال‌ها به دلیل سیاستگذاری اشتباه حاکمیتی، عرصه را بر فعالان اقتصادی محدود کرده و به جز توزیع رانت و فساد و قاچاق و قیمت‌گذاری دستوری، چیز دیگری نداشته است. این سیاست که با هدف ثبات قیمت‌ها و حمایت و معیشت دهک‌های پایین درآمدی اجرا شده، عملاً نتیجه عکس داده و منجر به تورم‌های بالا شده است.

**۴ متغیر ارزی بخش خصوصی به دولت**

طبق گزارش صندوق بین‌المللی پول، در بیش از یک سوم اقتصادهای جهان، نرخ ارز بر مبنای عرضه و تقاضا در بازار ارز تعیین می‌شود و اصولاً در کشورهایی با اقتصاد قوی، نرخ مبادله پول داخلی با ارزی خارجی، تک نرخي بوده و اقدامات مقطعی بانک‌های مرکزی در این کشورها در قالب عرضه ارزهای خارجی (در زمان افزایش نرخ ارز) و خرید ارز (در زمان کاهش نرخ ارز) موجب تقویت ثبات نرخ در بازار ارز می‌شود. ثبات نرخ ارز نیز موجب افزایش پیش‌بینی‌پذیری اقتصاد، تسهیل سرمایه‌گذاری، کاهش تورم و تقویت رشد اقتصادی خواهد شد. اما در اقتصاد ایران، نرخ ارز مشمول قیمت‌گذاری‌های متعدد بوده و در قالب نرخ‌های مختلف، قیمت‌گذاری شده است. علاوه بر قیمت‌گذاری دستوری و تعیین نرخ‌های متعدد، واقعی نبودن نرخ ارز و عدم لحاظ تحولات تورم در آن نیز از دیگر مسائل مربوط به این حوزه است. در این گزارش ضمن بررسی سیاست‌های ارزی ایران طی دهه‌های اخیر و برشمردن اشتباهات سیاستگذاری ارزی موجب ایجاد نوسانات در فضای اقتصاد شده است، از دولت درخواست می‌شود با توجه به ثبات نسبی موجود در بازار، نسبت به برنامه‌ریزی برای تک نرخي نمودن ارز (و البته پیش از آن تقویت دیپلماسی اقتصادی برای رفع تحریم‌ها) اقدام نماید. در این مسیر لازم است راهبردهای «حرکت از سمت سیاست‌های صادراتی در قالب مداخلات قیمتی و نرخ‌گذاری‌های چندگانه به سمت نرخ‌های تعادلی بازار»، «مدیریت بهینه ورود ارزهای نفتی به اقتصاد با هدف ثبات‌بخشی به بازار ارز»، «حرکت به سمت سیاست ارزی تثبیت نرخ حقیقی ارز به جای سیاست تثبیت نرخ اسمی» و «برنامه‌ریزی برای یک نظام حمایتی و تعرفه‌ای مناسب به عنوان مکمل نظام ارزی» در دستور کار قرار گیرد.

خودروسازان ملزم به تنوع‌بخشی سبید محصولات‌شان در همه بازه‌های قیمتی نیستند و در هیچ نقطه‌ای از جهان نیز این الزام به خودروسازان تحمیل نمی‌شود که حتماً باید در تمامی بازه‌های قیمتی بازار حضور داشته باشند. با اجرای این برنامه حدود ۶۸ درصد از آمار کل تولید بخش خصوصی نیز در معرض خطر توقف قرار می‌گیرد.

به نظر می‌رسد مسئولان وزارت صمت هیچ بخشی را از جیره‌بندی ارزی مصون نگذاشته‌اند و مانند خودروی سواری تولید و خودرو وارداتی، سبد خودروهای تجاری هم ملزم به رعایت میانگین ارزشی شده است. شنیده‌ها حاکی از آن است که میانگین ارزشی تعیین شده برای دسته کامیونت‌های واحدهای تولیدی ۱۶ هزار دلار تعیین شده است که با منطبق انتخاب یک خودرو کارآمد، باکیفیت و ایمن که مستقیماً با معیشت عموم جامعه در ارتباط است، تضاد دارد و وزارت صمت به نوعی با تعیین این متوسط ارزشی سبید محصولات شرکت‌ها را مجبور به انتخاب محصول با کیفیت پایین با گزینه‌های محدود می‌کند که به هیچ وجه منطقی نیست. برنامه ثبت سفارشات ارزی سال ۱۴۰۳ ممکن است به زودی لازم‌الاجرا شود که در آن صورت، تهدید بزرگی پیش روی خودروسازان خصوصی قرار خواهد گرفت. وزارت صمت دولت سیزدهم خودخواسته از ابتدای فعالیت تصمیم گرفت تا کنترل کامل ارز انواع تجارت از واردات تا صادرات را در دست داشته باشد و هیچ فعالیت صنعتی و اقتصادی بدون گذر از فیلتر تخصیص ارز دولتی امکان نداشته باشد. ذات این تصمیم به معنای در دست گرفتن افسار تمامی تصمیمات ریز و درشت مرتبط با انواع مشاغل و صنایع است که با کارشناسی اشتباه می‌تواند به سادگی منجر به لطمه بزرگ جبران‌ناپذیر و ایجاد صدمه و لطمه برای برخی خودروسازان شود. حال در شرایطی که تنها زمان کوتاهی به اتمام فعالیت وزارت صمت فعلی و دولت سیزدهم باقی مانده و تصمیمات سریع و عجیب تازه‌ای از وزارت صمت دیده می‌شود باید نسبت به چنین دستورالعمل‌هایی که ممکن است در روند فعالیت واحدهای صنعت خودرو خلل ایجاد کند، تجدیدنظر شود و از هر تصمیمی که منجر به کاهش تولید، توقف فعالیت واحدهای صنعتی و تهدید اشتغال می‌شود، اجتناب کرد.

در مجموع، با محدودسازی ارزش‌تکت‌های خودرویی و براساس آمارهای

سال ۱۴۰۲، حدود ۸ خودروساز (سواری) در معرض تعطیلی قرار

می‌گیرند. همچنین با اجرای محدودیت ارزی، بیش از ۱۶۰ هزار دستگاه

کاهش تولید اتفاق می‌افتد و حدود ۲۰ مدل خودرو نیز در خطر حذف از

خط تولید قرار خواهند گرفت.























# برندهای ورزشی چطور بازاریابی می کنند؟

بازاریابی ورزشی چیست؟

**نویسنده: علی آلی علی**

یکی از تفریحاها و سرگرمی‌های اصلی مردم در سراسر دنیا ورزش است. فرقی ندارد شما در چه سن و سالی باشید، در هر صورت بازی‌هایی مثل فوتبال یا بدمینتون می‌تواند ساعت‌ها شما را سرگرم کرده و در نهایت گذر زمان را هم حس نکنید. نکته‌ای که در این میان مهم است، تبدیل همین سرگرمی‌های ورزش بین صنعتی پرسود در دنیاست. به طوری که این روزها برندهایی مثل نایک یا حتی تیم‌های ورزشی کرو پولسازترین کسب و کارهای دنیا محسوب می‌شوند.

شاید فکر کنید برندهای ورزشی فقط به خاطر جذابیت رشته‌ها مورد توجه قرار می‌گیرند. خب در این صورت باید کمی دیدگاه‌تان را تغییر دهیم. نه تنها رشته‌هایی مثل بسکتبال در طول دهه‌های متمادی تغییر کرده‌اند، بلکه پای بازاریابی نیز در میان است. خب پیش خودتان که فکر نکرده‌اید برندهای بزرگ دنیا همین طور دست روی دست گذاشته‌اند تا شما به طور طبیعی از رشته‌های ورزشی خوش‌تان بیاید؟

صنعت بازاریابی در طول دهه‌های متمادی نقش مهمی در شکل دهی به سلیقه مردم داشته است. احتمالا رشته ورزشی که شما طرفدار دوآنتیسه آن هستید نیز از این فرآیند در امان نمانده است. ما اینجا قصد نداریم درباره این روند حکم خاصی صادر کنیم. در عوض تمرکزمان بر روی فهم چگونگی بازاریابی برندهای ورزشی است.

اصطلاح بازاریابی ورزشی چند سالی هست حسابی مورد توجه قرار گرفته و طرفدارهای سفت و سختی دارد. البته در این میان مثل هر کار دیگری فضا برای موفقیت تمام برندها فراهم نیست. در عوض فقط برخی از تیم‌های بازاریابی موفقیت‌های بزرگ را تجربه می‌کنند. نکته کلیدی در این میان تلاش برای استفاده از تکنیک‌های دست اول به منظور موفقیت در بازار است. این دقیقا همان کاری است که ما در ادامه قصد داریم به طور دقیق انجام دهیم. اگر شما هم دوست دارید با برخی از تکنیک‌های اصولی در زمینه بازاریابی ورزشی آشنا شوید، این مقاله کاملا مخصوص شماست.

شما در این مقاله یاد می‌گیرید که چطور به عرصه بازاریابی ورزشی نگاه کرده و تکنیک‌های مربوط به برندهای بزرگ را شخصی‌سازی کنید. پس با ما همراه شوید تا نکات کلیدی در این رابطه را بررسی کنیم.

**بازاریابی ورزشی؛ تکنیک‌ها و مهارت‌ها**

بازاریابی ورزشی برای کسی که اولین بار این اصطلاح به گوشش می‌خورد، فرق زیادی با سایر استراتژی‌ها ندارد. احتمالا شما هم شنیده‌اید که برخی می‌گویند بالاخره بازاریابی هیچ فرقی ندارد در چه حوزه‌ای باشد. خب این امر کمی واقعیت در خودش دارد، اما راستش را بخواهید، همه ماجرا تا این اندازه ساده نیست.

شما به عنوان بازاریاب باید همیشه شرایط خاص حوزه موردنظرتان را بررسی کنید. خب برندی مثل نایک نمی‌تواند دقیقا حال و هوای بازاریابی آنودی یا گوچی را زنده کند. این امر می‌تواند در بلندمدت موجب بروز مشکلات زیادی در حوزه کسب و کار شما شود. به همین خاطر ما در روزنامه فرصت امروز معتقدیم شما باید قبل از هر نکته‌ای به تفاوت‌های حوزه بازاریابی آگاهی پیدا کنید. عرصه ورزش پر از شور و هیجان است. در این میان استدلال‌های منطقی راه به جایی نمی‌برد. در عوض شما باید سعی کنید به بهترین شکل ممکن انگیزه مخاطب‌تان برای فعالیت ورزشی را تقویت کرده یا حوصله‌شان برای تماشای مسابقات ورزشی را تقویت کنید. این دقیقا همان کاری است که خیلی از برندهای ورزشی بزرگ دنیا انجام می‌دهند.

یک مثل ساده در این میان وضعیت شبکه‌های اختصاصی پخش مسابقات ورزشی است. وقتی جام جهانی فوتبال از راه می‌رسد، این شبکه‌ها سراف استدلال منطقی بر سر قیمت خرید حق اشتراک یا سایر بحث‌های مالی نمی‌روند. در عوض چنان شوری به پا می‌کنند که آدم دوست دارد یک ماه کل وقتش را صرف تماشای مسابقات فوتبال کند!

خب حالا که کمی با محوریت هیجان و احساسات در صنعت ورزش آشنا شدید، بد نیست کم کم برویم سراغ اصل ماجرا. خب شما برای یادگیری تکنیک‌های بازاریابی ورزشی اینجا هستید، مگر نه؟
**خلق تجربه هواداری؛ کلید جذب مخاطب**
تیم‌های ورزشی دنیا وقتی بازی دارند، معمولا هوادارانی را به ورزشگاه می‌کشانند. با این حال وضعیت تیم‌های مختلف اصلا برابر نیست. خب باشگاهی مثل رئال مادرید همین که جلسه تمرینی داشته باشد هم کلی از هواداران را به خودش جذب می‌کند. آیا تا حالا فکر کرده‌اید چرا تیم‌های بزرگ دنیا این همه طرفدار و درآمد دارند؟

شاید یک جواب دم دستی حضور کلی ستاره درجه یک در تیم‌های بزرگ باشد. خب این امری است که هیجان زیادی برای هواداران ایجاد می‌کند، اما تنها جواب ممکن این مسئله نیست. هرچه باشد، شما در نهایت باید به دلایل بزرگتری طرفدار پر و پاقرص یک تیم شوید، مگر نه؟

ما در روزنامه فرصت امروز خلق تجربه هواداری را یکی

از تکنیک‌های بازاریابی در دنیای کنونی می‌دانیم. این امر به طور مشخص در صنعت ورزش اهمیت ویژه‌ای دارد؛ چراکه مردم در سراسر دنیا وقت یا حتی حوصله فعالیت ورزشی به طور منظم را ندارند. در عوض تماشای مسابقات ورزشی و طرفداری از یک تیم را ترجیح می‌دهند. این دقیقا همان بحثی است که بازاریاب‌ها را به خودش جلب می‌کند. شما به عنوان یک برند فعال در حوزه ورزش باید توانایی خلق تجربه هواداری برای مخاطب‌تان را داشته باشید.

قبول دارم همه برندها در صنعت ورزش قرار نیست تیم فوتبال یا والیبال باشند، اما شما می‌توانید در قالب اسپانسر تیم‌های بزرگ وارد گود شوید. فکر کنم حالا دیگر خیلی خوب درک می‌کنید چرا بر سر اسپانسرینگ تیم‌های بزرگ تا این اندازه دعواست!

خلق تجربه هواداری چیزی نیست که شما یکبار برای

با لیونل مسی به یاد می‌آورند؛ چراکه این ستاره آرژانتینی تقریبا تمام دوران حرفه‌ای خود را در این تیم سپری کرده است. همانطور که می‌بینید، داستان بارسلونا و مسی به طور قابل ملاحظه‌ای به هم پیوند خورده است. البته در این میان بارسلونا خیلی بهتر از پیوند سود برده است. مردم در سراسر دنیا همیشه دنبال بهانه‌هایی برای پیگیری داستان یک برند هستند. باور کنید یا نه، شما به تنهایی در قالب یک برند ورزشی جذابیت زیادی برای مخاطب‌تان نخواهید داشت. درست به همین خاطر باید قبل از اینکه در بازار سنگ روی یخ شسویذ، سراغ تغییر شرایط بروید. این امر می‌تواند اوضاع شما را به طور قابل ملاحظه‌ای تغییر دهد.

گاهی اوقات بد نیست خودتان را جای مشتریان قرار دهید. خب این فرآیند کمک خواهد کرد تا خیلی بهتر اوضاع را درک کرده و دنبال اثرگذاری بهتر بر روی مخاطب



نمی‌شود. در عوض شما با موج تازه‌ای از چهره‌های محبوب و در عین حال مایل به همکاری تجاری با قیمت پایین رو به رو هستید. درست حدس زدید، منظور ما اینفلونسرهایی است که تقریبا همه ما در شبکه‌های اجتماعی با آنها آشنایی داریم. اینفلونسرها به دلیل شهرت‌شان در زمینه رشته‌های ورزشی یا حتی توانایی شان برای تجربه و تحلیل مسابقات به شهرت می‌رسند. نکته مهم اینکه هواداران به طور معمول توجه زیادی به این قشر داشته و حتی تصمیم‌های‌شان برای خرید محصولات یا تعامل با دیگر برندها را نیز بر این اساس می‌گیرند.

خب وقتی اینفلونسرها تا این اندازه نقش مهمی در میان مخاطب شما ایفا می‌کنند، چرا نباید از همین امروز به دنبال همکاری با آنها بروید؟

یادتان باشد، شما نمی‌توانید با تمام اینفلونسرها همکاری نزدیکی داشته و انتظار موفقیت‌های بزرگ را بکشید. در عوض بهتر است روی حداکثر دو یا سه نفر تمرکز کنید. اینطوری به مرور زمان اسم برندان‌تان و آنها

با هم همراه خواهد شد. اینطوری خیلی ساده‌تر فرصت اثرگذاری بر روی مخاطب و بهبود شرایط را پیدا می‌کنید. اگر دقت کرده باشید، برندهایی مثل آدیداس لازم نیست همیشه دست به جیب شده و با هزینه‌های سرسام‌آور تبلیغات‌شان را پیش روی مخاطب قرار دهند. در عوض آنها به ساده‌ترین شکل ممکن افراد مشهور را بدل به سفیران خود کرده‌اند. به طوری که مخاطب هر وقت چشمش به آنها می‌افتد، یاد برند مورد نظر هم در سرش زنده خواهد شد.

بی‌شک بحث هزینه‌های مالی اهمیت بسیار زیادی در دنیای کسب و کار دارد. درست به همین خاطر شما باید به دنبال روش‌هایی برای کاهش هزینه‌ها در این میان باشید. وگرنه خیلی زود اوضاع‌تان در بازار به هم ریخته و دیگر فرصتی برای اثرگذاری بر روی مخاطب نخواهید داشت. یادتان باشد، همکاری با اینفلونسرها باید از همان ابتدا تحت شرایط مشخصی صورت گیرد. این امر به شما کمک خواهد کرد تا ذهنیت درستی نسبت به همکاری در طرف مقابل ایجاد کرده و نشان دهید دقیقا دنبال چه چیزی هستید. خیلی وقت‌ها فرآیند همکاری فقط به دلیل نامشخص بودن شرایط از سوی طرفین با چالش رو به رو می‌شود. درست به همین خاطر ضروری است همیشه نکات کلیدی در این رابطه را رعایت کنید. اینطوری بازگشت سرمایه بهتری را نیز تجربه خواهید کرد.

**پیوند داستان قهرمانان با برندا‌تان؛ بخش هیجان‌انگیز ماجرا**

آیا تا حالا فکر کرده‌اید چرا داستان برندهای ورزشی تا این اندازه جالب است؟ خب آدم می‌تواند پای داستان توسعه تیم فرمول یک نشسته و ساعت‌ها هیچ کار دیگری هم انجام ندهد. نکته کلیدی در این میان پیوند داستان چنین برندهایی با ماجرای قهرمانان ورزشی است. یک مثال ساده درباره این مسئله در باشگاه بارسلونا قابل مشاهده است. جایی که تقریبا همه مردم دنیا این تیم را

خوب سراغ مخاطب بروید، خیلی زود کارتان با مشکل رو به رو می‌شود؛ چراکه دوستانران ورزش اصلا علاقه‌ای به برندهای مزاحم که هیچ محتوای درست و حسابی ندارند، نشان نمی‌دهند.

**ایجاد باشگاه هواداران؛ تعامل متقابل و دیگر هیچ**
اگر فکر کرده‌اید با اقدامات استراتژیک و مطالعه بازار می‌توانید موفقیتی در زمینه تعامل با مخاطب به دست بیاورید، فقط نیمی از راه را درست طی کرده‌اید؛ چراکه در بازار نیاز به فعالیت‌های دقیق و بهتر نیز حس می‌شود. مثلا وضعیت برندهاسی در رابطه با کانون‌های هواداری را در نظر بگیرید. تیم‌های بزرگ ورزشی و حتی قهرمان‌ها معمولا کلی هوادر برای خودشان دارند. با این حال فقط کسانی امکان درآمدزایی در این بین را خواهند داشت که یک کانون هواداران درست سازمان دهند.

برندها نیز به عنوان یک هویت ورزشی معمولا هوادارانی دارند. مثلا تیم بسکتبال لیکرز هواداران زیادی در آمریکا و سایر نقاط دنیا دارد. نکته کلیدی در این میان پیوند خوردن هواداران این تیم با هم براساس یک سلاز و کار هواداری است. به طوری که طرفداران این تیم در شرق آسیا نیز دقیقا حس و حال کسانی را دارند که شب مسابقه در زمین مسابقه حضور دارند. این نکته‌ای است که اهمیت محوری داشته و باید همیشه مورد توجه شما قرار گیرد. توصیه ما در این بخش استفاده از الگوی کانون یا باشگاه هواداری است. این ساز و کار در واقع امکان عضویت اعضا بر روی مخاطب خواهد داد. بی‌شک وقتی مخاطب هدف شما در قالب گروهی یکپارچه سازمان یافته باشد، توانایی شما برای اثرگذاری بر آنها خیلی بیشتر می‌شود. به علاوه، ارتباط شما با آنها نیز بسیار دقیق و ارزان درمی‌آید.

**برگزاری رویدادهای اختصاصی؛ اوج هیجان در**

**صنعت ورزش**

معمولا قبل از اینکه یک تورنمنت بزرگ شروع شود، مراسم با شکوهی برای قرعه‌کشی و سپس افتتاحیه برگزار می‌شود. این مراسم‌ها نه از سر تفریح، بلکه با منلق اقتصادی سازمان پیدا می‌کند. خب برندهای مختلفی در حوزه ورزش به عنوان اسپانسر فعالیت دارند. مثلا برندهای حوزه مد در مراسم‌های قرعه‌کشی بر روی نمایش محصولات‌شان به کمک ستاره‌های ورزشی حساب باز می‌کنند. به همین خاطر خیلی وقت‌ها بازاریاب‌ها خیال می‌کنند باید هر طور شده در این مراسم‌ها حضور داشته باشند.

نکته کلیدی در این میان طراحی یک چارچوب ویژه است. خب برند شما حتی اگر در مراسم‌های مهمی نیز حضور پیدا کند، باز هم رقبا بزرگی را در پیش دارد. یک ایده بهتر در این میان تلاش برای سازماندهی یک رویداد ویژه و منحصر به فرد است.

اشتباه نکنید، لازم نیست رویداد شما خیلی عجیب یا پرهزینه باشد، در عوض می‌توانید به ساده‌ترین شکل ممکن کارتان را با ایده‌های تازه و ارزان دنبال کنید. نکته کلیدی در این میان تغییر در حال و هوای مخاطب است. پس اصلا نباید ماجرا را به خودتان سخت گرفته یا خیال کنید اوضاع خیلی عجیب است.

اگر از نظر مالی با ایده‌های مناسب در شرایط خوبی نیستید، حتی می‌توانید روی استفاده از ظرفیت‌های همکاری نیز حساب باز کنید. این مسئله‌ای است که به شما برای تاثیرگذاری هرچه بهتر بر روی مخاطب کمک خواهد کرد.

فراموش نکنید، شما به عنوان یک برند تک و تنها نیاز به ایجاد شبکه‌ای از ارتباطات دارید. این امر نه فقط در قالب ارتباط با مشتریان، بلکه دیگر برندها معنا پیدا می‌کند. پس بهتر است قبل از اینکه اوضاع خیلی برای‌تان پیچیده شود، دست به کار شده و دنبال همکاری و شرکای تجاری خوب بگردید.

**ایجاد پیوند عاطفی با مخاطب؛ مهمترین بخش کار**
برندی مثل نایک یا ردبول در دنیا طرفدارها زیادی دارند. دلیل این امر کیفیت بالای محصولات این برندها یا حتی قیمت مناسب‌شان نیست. خب این روزها کلی برند در حوزه تولید چاشتن ورزشی رقیب نایک محسوب شده و بازار نوشیدنی‌های انرژی‌زا نیز حساسی داغ است. نکته کلیدی در این میان پیوند عاطفی با مخاطب است. این بدان معناست که شما فراسوی محصولات‌تان سعی می‌کنند با آنها ایجاد کنید. ماجرا درباره برند نایک کاملا گویای اهمیت پیوند عاطفی است. خب این برند با هدف تقویت روحیه ورزشکاران در سراسر دنیا وارد بازار شده است. منظور از ورزشکاران در اینجا فقط قهرمان‌های المپیک نیست، بلکه به طور کلی هر کسی است که در زمینه فعالیت ورزشی به دنبال تغییر در شرایط خودش است. بنابراین پیوند میان ورزشکاران سراسر دنیا با نایک فقط محدود به حوزه‌ای خاص نیست. در عوض بسیاری از ورزشکاران آماتور از روحیه‌بخشی این غول بزرگ سود می‌برند. بی‌شک همه مردم برای فعالیت ورزشی مشکلات خاص خودشان را دارند. در این میان برندهایی که مخاطب برای ساده‌سازی فعالیت ورزشی یا روحیه‌بخشی به آنها کمک کنند، در یادها باقی خواهند ماند.

ماجرای ردبول در دنیای کسب و کار نیز تا حد زیادی شبیه به نایکی است. البته با این تفاوت که ردبول در کنار حمایت مالی از ورزشکاران حرفه‌ای، محصول اصلی‌اش با محوریت طرفداران حوزه‌های ورزشی عرضه شده است. خب بسیاری از طرفداران رشته‌های ورزشی هنگام تماشای مسابقات یک نوشیدنی ردبول هم دست‌شان است. این عادتی رایج است که برای بسیاری از مردم دنیا جذاب به نظر می‌رسد. همانطور که می‌بینید، ردبول راه خودش را در میان ورزشکاران حرفه‌ای و طرفداران آنها به طور برابر باز کرده است. همین امر بیانگر موفقیت کامل ردبول در بازار محسوب می‌شود.

شاید عملکرد برندهای ورزشی در بازار کمی همراه با علامت سوال باشد، اما وقتی تنوع این حوزه را درک کنید، آن وقت دیگر اتفاقات آن چندان برای‌تان تعجب‌آور نخواهد بود. ما در این مقاله سعی کردیم برخی از مهمترین استراتژی‌ها برای ورود شما به حوزه بازاریابی ورزشی را مورد بررسی قرار دهیم. از اینجا به بعد دیگر همه چیز به سعی و تلاش خودتان بستگی خواهد داشت.

https://blog.littledotstudios.com/en-gb/news-views/sports-marketing-strategy--and-tactics-strategies
https://www.constantcontact.com/blog/sports-marketing-strategies-
https://www.podium.com/article/top-marketing-strategies-for-sports--10/entertainment